



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۱۲/۱۴/۲۰۲۲

محمد صالح گردش

چرا چهل دختران؟

اکنون که می خواهیم در رابطه اسم ترکیبی چهل دختران، که به این نام مکان های زیادی در گوشه و کنار کشور ما به شکل قلعه های مخروطی موجود اند چیزی بنویسم، بهتر می دانم تا ابتدا از عدد چهل، که نخستین جزء این اسم است، چیزی برای نوشتن داشته باشیم. با تأسف باید اقرار کنم که تحقیق و پژوهش در کشوری چون افغانستان کاریست مشکل؛ زیرا بر علاوه مشکلات شخصی و اقتصادی که اکثراً دامنگیر ذوق زدگان این عرصه است، از رفاهیت های اجتماعی نیز سهولت هایی موجود نیست. به طور مثال، شهر مزارشریف که یکی از شهرهای بزرگ و پر نفوس این کشور است، تا همین لحظه بی که این سطور را می نویسم حتا یک کتابخانه بزرگ و یا کوچکی که بتوان از آن استفاده نمود، وجود ندارد و انترنت که امروز سرچشمه سرشار معلوماتی عصر ماست، دسترسی به آن کار ساده بی نیست.

به هر صورت، در نزد آریاییان در بین اعداد جفت، عدد چهل یک عدد سعد و نیک بوده همانگونه که در بین اعداد طاق، عدد هفت یک عدد سعد و نیک بود. اولویت عدد چهل از آن بر می آید که این عدد در ترکیب اسم های اماکنی چون: «چهل دختران» ها، «چهل تن» ها، «چهل مرد» ها، «چهل زینه»، «چهل گزی» ها، و حتا بنا های دوران بعدی چون، «چهل ستون» موجود است. احترام به عدد چهل به نحوی وارد عقاید اسلامی نیز گردیده است که شاید در رابطه موارد زیادی موجود باشد و در این جا به اشاره چند مورد آن اکتفا می کنم:

بعضی مساجدی که قدامت بیشتر زمانی دارند، دارای اطاق هایی به نام «چهل خانه» می باشند که در آن صوفیان و خداجویان، چهل روز را بدون مصاحبت با دیگران، در گوشه نشینی و عبادت می پردازند. خیرات و ختم قرآن عظیم الشان در روز چهل مرگ شخص وفات شده؛ رفتن زچه و بچه به خانه یکی از اقارب و یا دوستان در روز چهل ولادت طفل به نام چهل گریز؛ ادامه میله گل سرخ مزار و برافراشته بودن علم مبارک از اول فروردین ماه الی روز چهل؛ چهل و یک بار – البته افزودن یک بر عدد چهل توجیه اسلامی است- دور زدن جوانان به خاطر برآورده شدن آرزوها و خواسته های شان به دور گنبد مولای متقیان حضرت علی(ک)؛ پختن چهل قرص نان و تقسیم آن به خانه های اقارب، دوستان و همسایه ها در روز چهل ولادت طفل؛ سعد دانستن و نوشیدن آب چله؛ نذری به نام چهل تن، همه مواردی است که هنوز ارادت مردم را نسبت به این عدد نشان می دهد.

تا هنوز به منابعی که بحثی در مورد چهل دختران ها داشته باشد، دست نیافته ام و داستان فولکلوری که در ارتباط چگونگی این اسم روشنی بیاندازد، نشنیده ام و فقط مردم هر محل معتقد اند که در قلعه های به نام چهل دختران، چهل دختر زندگی داشته اند. فکر می کنم که این برداشت ساده مردم از معنای ظاهری اسم چهل دختران بوده باشد.

جزء اول اسم دختران، «توخته» یا «دوخته» است. توخته از ریشه مصدر توختن، و دوخته از ریشه مصدر های دوختن و اندوختن، هر دو معنای جمع کرده، فراهم کرده، اندوخته و ذخیره کرده را می رساند. مولوی گوید:

بر درش بود آن غریب آموخته

وام بی حد از عطایش توخته

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولئ

جزء دوم دختران، «ران» می باشد که پسوند مکان است. این جزء را می توان در پسوند نام اماکنی چون، تهران، مکران، باغران و غیره دید و کاربرد این پسوند در زبان ارمنی عمومیت دارد. بنابراین معنی اسم ترکیبی چهل دختران را می توان چهل ذخیره، چهل پاسره گاه، چهل انبار، چهل دوخته گاه دانست.

یکی از این چهل دختران ها قلعه بزرگیست که در دل سرزمین هموار بلخ قد برافراشته است. این قلعه نیز بنا به ادعای ما دارای چهل انبار و یا چهل چاه ذخیره محصولات زراعتی بوده است. ممکن است طرز ساختمان این چاه ها به شکلی بوده باشد که از یک مجرای محصولات زراعتی را به آن ها می انداختند و در مواقع ضرورت از مجرای دیگری آنرا می کشیدند. همچنان ناحیه دیگری در همجواری شهرک کود و برق به نام «توخته» است، که البته در آنجا چهل انبار نبوده و بسیار ممکن است که آنجا یک ذخیره گاه بوده باشد.

در قرون اخیر بعد از اعمار روضه مبارک و حفر نهرشاهی در زمان سلطان حسین بایقراء آبادانی شهر مزارشریف رو به افزایش رفته است؛ اما در گذشته های دور نیز این محل یکی از مناطقی آبادان بوده است. موجودیت اسم «تل خیران»، تپه مقابل لیسه اسدی، تپه سیدآباد، تپه گوری مار و تپه های در جوار میدان هوایی همه گواه به قدامت زندگی در این نواحی می باشند.

با تأسف از استوپه ها و تپه هایی که در دل این شهر قرار داشتند، اثری موجود نیست و همه ی این تپه ها در سال های اخیر برداشته شده و به جای آن بلند منزل ها و خانه های رهاپشی اعمار گردیده است. همین اکنون نیز تپه هایی که در جوار میدان هوایی قرار دارند، به شکل غیر مسئولانه و بدون حفریات باستانشناسی، خاک آنها به اعمار منازل برده می شود. و هیچ مرجع مسئول متوجه این امر نیست.

از آنجا که شهرها و آبادانی ها در کنار رود ها بوجود آمده اند، به نظر می رسد که این شهر و نواحی اطراف آن در گذشته های دور از آب فراوانی برخوردار بوده است. به نظر من آب این محلات از رود های «تنگی شادیان»، «شورآب» و «مارمل» تأمین می شده است. این رودها ممکن در مناطق هموار با یکدیگر می پیوستند و رود بزرگتری را تشکیل می دادند و از کناره های شهر فعلی مزارشریف می گذشته است. به صوب غرب شهر مزارشریف، کمی پایانتز از قلعه «لنگرخانه» پروژه هایی در حال استخراج جغل آن ساحه اند که ممکن است جغل دریایی باشد که از همان مسیر می گذشته است.

از آنجا که کلمه شبر را از ریشه واژه هیر به معنی آب و جریان آب دانسته اند (۲)، شیرآباد، نام ناحیه یی که قلعه چهل دختران در آنجا واقع است، خود دلالت به موجودیت آب و دریایی در همین منطقه می نماید. بنابراین ناحیه شیرآباد و مناطق همجوار آن توسط آب دریا آبیاری می گردیده و از این نواحی محصولات خوب زراعتی بدست می آمده است که بعد از جمع آوری محصولات آن ناحیه و نواحی دور و نزدیک آنجا، آن مقدار محصولاتی را که اضافه تر از مصارف سالانه مردم می بوده در همین چهل دوخته گاه (چهل دختران) پس انداز می نموده اند. ممکن به نظر می رسد که این قلعه ذخیره گاه آذوقه عساکر و کارمندان سلطنت های قدیم بلخ بوده باشد.

اکنون که در پایان این مطلب رسیده ام، در صورتی که این نظر از طرف انجمن های پژوهشی و تحقیقی مورد تأیید قرار گیرد، پیشنهاد می نمایم که اسم چهل دختران به شکل «چهل توختران» و یا «چهل دوختران» نوشته شود

منابع:

- ۱-گردش، محمد صالح. واژه افغان و سرزمین سلیمان. مزارشریف: جاده بیهقی، مطبعه سیدهاشم، ۱۳۸۵ صص ۲۵-۲۱
- ۲- یمین، دوکتور محمد حسین. افغانستان تاریخی. پشاور، ۱۳۸۰ ص ۱۲۳